

آثار بزرگان ادب فارسی باید محصلین را به نحوه قرائت صحیح و رعایت اصول آن تشویق کنند. چه بسا اشخاصی را در ملاقاتهای روزانه می بینیم که وقتی حرف میزنند صدای آنها شنیده میشود ولی مقصود آنها بسهولت ادراک نمیشود چون صراحت تلفظ ندارند باین معنی که شکل دهان را آنطور که باید برای بیان کلمات تغییر نمیدهند و از زبان و لبها استفاده کافی نمیکند.

ادب در لغت بمعنی نگاه داشتن حد و اندازه است و مصنفان موسیقی و آوازخوانان اگر در ادبیات و مخصوصاً مبحث تلفظ و معانی و بیان دست نداشته باشند کارشان سست خواهد بود. دانشجویان ما هنگام فرا گرفتن زبانهای خارجی برای تلفظ صحیح (U) در فرانسه یا (O) در انگلیسی دقت و کوشش بیشتری مینمایند تا به تلفظ صحیح زبان مادری خود.

سابقاً باین نکته اشاره شده و تکرار آن در اینجا بی فایده نیست که صدا باید معرف عاطفه و میزان احساس و همچنین وسیله تمایز انواع احساس باشد. تکیه و تأکیدی که ما در کلام بکار میبریم برای تعیین نوع فکر یا قصد و اراده ماست و انعطاف و کندی و تندى بیان معرف نوع و میزان احساس ما میباشد. اگر این تکیه و تأکید از حد لزوم تجاوز کند یا اگر سرعت و انعطاف بیان بامفهوم عبارت کاملاً تطبیق نکند کلام ناهنجار و خالی از لطف خواهد بود.

در مورد اهمیت توجه مصنف و خواننده به ادبیات از لحاظ بیان که عبارتست از رعایت عطف و وصل و وقف و تکیه و تأکید و تعدیل صوت و تغییر مایه و زیر و بمی و تندى و کندی، هرچه تأکید شود کم است. در آواز توجه به مقصود و احساس کلام از اهم مسائل است خواه آواز ایرانی و عربی و ترکی باشد خواه هندی و اروپائی.

مصنف و خواننده باید صنایع بدیع را در تصنیف یا قرائت آواز کاملاً رعایت کند. مثلاً اگر مصراعی حالت استفهام داشت نمیتوان آنرا بحالت خبری قرائت کرد مثل این شعر که سعدی میفرماید:

دیدار یار غائب دانی چه ذوق دارد؟

ابری که در بیابان بر تشنه ای بیارد

خواننده نباید هر دو مصراع این بیت را که بصورت سؤال و جواب است به يك حالت و بایك کیفیت مشابه قرائت کند .

ما میدانیم که در زبان فارسی در تلفظ اسم، تکیه صدا همیشه روی هجای آخر می افتد . ولی اگر اسم بصورت ندا بکار رود محل این تکیه به هجای اول منتقل میشود و اگر حرف ندای «ای» و «ایا» هم در جلو آن واقع شود باز محل تکیه همانا روی هجای اول است . پس اگر مصنف یا خواننده ای در این شعر حافظ که میفرماید :

ای هدهد صبا به سبا می فرستمت

بنگر که از کجا به کجای فرستمت

تکیه هدهد را روی هجای دوم کلمه بگذارد اشتباه کرده است. کلمه هدهد اگر مستقلا ادا شود تکیه روی «هد» دوم واقع میشود و در اینجا چون حالت ندا دارد تکیه روی «هد» اول واقع میشود . همینطور در این بیت :

ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست ؟

منزل آن مه عاشق کش عیار کجاست ؟

که تکیه روی «ن» نسیم واقع میشود .

در دنبال حرف ندای « ای » حتی اگر يك عبارت وصفی بکار رود این تکیه جای خود را در روی هجای اول همچنان حفظ میکند مثلا در این بیت که حافظ میفرماید :

الا ای طوطی گویای اسرازل جامع علوم انبیا خالیت شکر ز منقار

که تکیه روی «طو» می افتد . همچنین در این بیت :

ای آفتاب آینه دار جمال تو مشگ سیاه مجمره گردان خال تو

دعاء یکی از محسنات بیان است و در آن عواطف گوینده بصورت حب و بغض یادعا و نفرین بیان میشود مثل این شعر حافظ که میفرماید :

دی پیر می فروش که ذکرش به خیر باد

گفتا شراب نوش و غم دل پیر ز یاد

در مصراع اول عبارت « ذکرش به خیر باد » بصورت دعا آمده و از

بیان آن باید همان مفهوم حاصل شود .
بهمین ترتیب اگر شعری بشکل مراجعه یا سؤال و جواب که از زینت
های کلام است باشد باید این مفهوم در قرائت آن شعر به آواز معلوم شود
مثل این شعر حافظ :
گفتم غم تو دارم گفتا غمت سر آید
گفتم که ماه من شو گفتا اگر بر آید
اینها که عرض شد و نکات بسیار دیگر از جمله مسائلی است که خواننده
و مصنف باید در رعایت آن کمال دقت را بکار برد .

در خاتمه تذکر این نکته نیز شاید خالی از فایده نباشد که تاریخ تحول
و تطور موسیقی قاعده بنا به دوره های مختلف زمان تعیین و تنظیم میشود .
اما آوازا معمولاً بسبب امتیازات خاصی که دارد بنا بر تقسیمات جغرافیائی
یا نژادی و ملی طبقه بندی میکنند . در موسیقی بطور اعم شباهتی بین ملل
همجوار میتوان یافت و به اعتبار آن شباهت آنها را بهم ربط توان داد . ولی در
آواز هر ملت نکات اختصاصی و ملی بقدری عمیق است که نفوذ عوامل خارجی
در آن در کمال کندی صورت میگیرد . علتش اینست که اولاً زبان که از ارکان
عمده ملی است مکمل آواز است و ثانیاً جنبه عمومی آواز به مراتب بیشتر از موسیقی
است یعنی پیوستگی آن با خلق و خو و عواطف توده طبقات مردم بیشتر و
قویتر میباشد . از این لحاظ عوامل خارجی در آن دیرتر رخنه میکند .

دکتر جانسون (Dr. Johnson) نویسنده معروف و عالی مقام انگلیسی
در قرن هیجدهم میگوید : « دستور زبان ، هنر درست و خوب صحبت کردن
آن زبان است و نوشتن يك امر تصادفی است » . بدیهی است قواعد دستور
يك زبان از خود آن زبان استخراج شده است ولی باید با کمال دقت و
اصرار در مورد همان زبان بکار برود . اگر عبارتی را بیان کنید و به آهنگ
صدای خود توجه نمائید ملاحظه خواهید کرد که وسط همین جمله از لحاظ
تأکید از ابتدای جمله و در بسیاری از موارد از انتهای جمله نیز ضعیفتر است .
همچنین ملاحظه میشود که اگر جمله مرتب و کامل تنظیم شده باشد خبر همیشه
قویتر از مبتدا ادا میشود .

متأسفانه در خواندن شعر در آواز در این اواخر حداقل توجه بکار می-
رود. برای جلوگیری از این هرج و مرج اصولی برای تلفظ صحیح زبان
فارسی باید وضع شود و تلفظ‌ها و لحنهای غریب و عجیب از کلام و آواز
خارج شود. در محاوره روزانه به نکاتی در تلفظ اشخاص برخورد میشود که
حتی گاهی جزء امتیازات اختصاصی آنها بحساب می آید. ولی زبان آواز
باید از این لهجه‌های اختصاصی خالی باشد. آواز باید از هر نوع آلودگی
که مانع جریان طبیعی و نفوذ آن در روح میشود مبشری باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

